

DOWN WITH THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

<http://www.ghandchi.com/418-sarnegoon-plus.htm>



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

سام قندچی

بیش از 25 سال است که مردم ایران سعی کرده اند یا رژیم جمهوری اسلامی را اصلاح کنند، و یا آنکه بصورت مسالمت آمیز به آن پایان دهند، اما دیگر این رژیم نظیر رژیم صدام و رژیم طالبان، هر گونه امید برای تغییر را از بین برده است، و تنها راه باقی مانده برای آزادی و ترقی ایران، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. این حرف من به این معنی نیست که مردم ایران فردا میتوانند به قیام برخیزند، و یا آنکه بایستی فردا به قیام برخیزند. اما این حرف من به این معنی است که بایستی برای چنان روزی آماده شد. در واقع رژیم هائی نظیر جمهوری اسلامی که دیگر بقای خود را در ادامه سرکوب و جنگ میبینند، نظیر دولت صدام، رژیم طالبان، و آلمان هیتلری، یا با حمله خارجی تغییر میکنند، و یا آنکه نظیر آمریکای قبل از انقلاب، آخرین اولتیماتم اپوزیسیون به رژیم، نظیر نامه جفرسون به دولت بریتانیا قبل از آغاز انقلاب آمریکا خواهد بود، یعنی قیام مردمی با هدف مشخص سرنگونی رژیم.

با آنکه ایالات متحده آمریکا و هند، هر دو با دشمن مشابهی، یعنی استعمار انگلیس، روبرو بودند، اما در دو برهه تاریخی متفاوت، اولی به قیام کشید، و دومی بشکل مسالمت آمیز پایان یافت. شایسته ذکر است که در مورد ایالات متحده آمریکا دز زمان انقلاب آمریکا، استعمارگران بریتانیا نه تنها پس از اولتیماتوم جفرسون عقب ننشستند، بلکه حملات خود را افزایش دادند، سالها پس از شکل گیری ایالات متحده، در زمان مدیسون، و کاخ سفید را آتش زدند..

در واقع آنچه در حال حاضر مسلم است، این است که کوشش آمریکا در جهت مذاکره با جمهوری اسلامی ایران، و گرفتن امتیاز از آن است، و آمریکا هیچ علاقه ای ندارد که آغازگر جنگ با جمهوری اسلامی ایران باشد، که مطمئناً به تروریسم دامن خواهد زد، و به رهبری آمریکا لطمه خواهد زد. البته در صورت قیام جدی در ایران، نظیر قیام 57 [http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm]، آمریکا با آن سمت گیری خواهد کرد، اما تا زمانیکه جنبش ضعیف است، آمریکا موقعیت خود برای مذاکره با جمهوری اسلامی را، با دفاع از درخواست گروه هائی که خواهان حمله آمریکا به ایران هستند، به خطر نخواهد انداخت.

البته بخشهایی از جنبش ایران، برای گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی مورد استفاده نیروهای خارجی قرار خواهند گرفت، همانگونه که ما اکنون شاهد استفاده از نیروهای ایران اپوزیسیون ایران نظیر لژیون های میسیونر هستیم. در واقع آندسته از نیروهای سیاسی ایران، که خواهان حمله نظامی آمریکا به ایران هستند، حتی در میان نیروهای سر سخت آمریکائی هم بی اعتبار شده اند، چرا که آمریکا بخوبی میداند که نه مردم ایران خواهان حمله آمریکا هستند و نه آنکه حمله آمریکا نفعی برای خود آمریکا در مبارزه اش با تروریسم دارد. در نتیجه آنها که برعکس، هنوز بزرگترین مسأله جنبش سیاسی ایران را پیشگیری از حمله آمریکا میدانند، یا نا آگاه هستند و یا آنکه یاران جمهوری اسلامی.

برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، بایستی که جنبش سیاسی مردم ایران، به این موضع برسد. در نتیجه با آنکه فعالیت برای خواست های حقوق بشر و رفراندوم، کماکان حائز اهمیت هستند، ولیکن همه آن فعالیت ها، دیگر در خدمت سازمان دادن احزاب برای سرنگونی رژیم معنی مییابند. اگر 10 سال پیش، هنوز مهمترین وظیفه سیاسی، سازمان دادن گروه های حقوق بشر بود، امروز بزرگترین وظیفه سیاسی، ایجاد احزاب با هدف سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. دیگر زمان آن رسیده است که این کوشش اصلی ترین فعالیت همه گروه های سیاسی ایران شود. ای کاش که رژیم جمهوری اسلامی بدون چنین کوششی به پایان رسیده بود، نظیر آنچه در شوروی، بلوک شرق، و آفریقای جنوبی، در سالهای اخیر، شاهدش بودیم، اما متأسفانه رژیم های مشابه دو همسایه ایران، یعنی رژیم های صدام و طالبان با نیروی نظامی سرنگون شدند، هرچند در شکل حمله خارجی و نه قیام داخلی، اما رژیم جمهوری اسلامی ایران توسط اعتصابات و قیام های مردمی سرنگون خواهد شد.

لازم است که دوباره تذکر دهم که من به عملیات مسلحانه چریکی یا تروریستی، توسط عده ای روشنفکر، ابدأ اعتقاد نداشته و ندارم. همچنین در شرایط حاضر نیز وظیفه اصلی نیروهای سیاسی را فعالیت *سیاسی* برای سازمان دادن مبارزات مردم برای سرنگونی رژیم میدانم، و نه قیام مسلحانه، و وقتی هم که قیام مردم آغاز شود، کماکان مهمترین شکل مبارزه را اعتصابات سیاسی شرکت نفت و امثال تشکیل خواهند داد، و نه عملیات نظامی. اما آنچه مهم است، این امر است که این مبارزات، برای سرنگونی رژیم خواهند بود، و نه برای تعدیل رژیم.

در واقع همه این شرایط را، رژیم جمهوری اسلامی بر مردم ایران تحمیل کرده است، که جز فریبکاری، هیچ اصلاحی را انجام نداده است، و در 26 سال گذشته، این رژیم با مردم ایران فقط در ستیز بوده است، و در انتخابات اخیر ریاست جمهوری نیز، رژیم، اوج ستیز خود با مردم را، با تحمیل حکومت نظامیان پاسدار بر مردم، تحت عنوان دولت عدالتخواه، به ثبوت رسانده است. هرچند ظاهراً دولت احمدی نژاد پس از پیروزی، از باز کردن فضای سیاسی و اقتصادی حرف میزند، اما در عمل با اولین انتخاب های اعضا کابینه خود، طرح ادامه ستیز با مردم ایران را نوید میدهد، و به این طریق، موضوع سرنگونی رژیم، دیگر به موضوع مرکزی خواست همه گروه های سیاسی ایران تبدیل میشود.

به امید **جمهوری آینده نگر** فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

4 تیر 1384

July 8, 2005

مطالب مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm>

<http://www.ghandchi.com/600-SecularismPluralism.htm>